

بررسی حدود رفتارهای تعارفی از دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام)

محمدجواد توکلی خانیکی^۱، ثریا وحدانی^۲

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قم واحد مشهد

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن واحد مشهد

چکیده

تعارف در فرهنگ ایرانیان به عنوان یک ادب اجتماعی و رفتار پسندیده جایگاه خاصی دارد و نشانه‌ی احترام است؛ اما گاه از حالت طبیعی خارج و رفتاری مذموم به شمار می‌رود. میان تمام فرهنگ‌ها، الگوهای ثابت و مشترکی در زمینه‌ی آداب معاشرت وجود دارد، اما در عین حال، چگونگی این الگوها در هر فرهنگی تابع نظام ارزش‌ها و باورها یا «نظام معنایی و نمادین» خاص آن است. قرآن و روایات، اساس فرهنگ جامعه اسلامی و تعیین کننده ممدوح یا مذموم بودن رفتار است. آنچه درباره تعارف در سیره معصومین (ع) آمده، با آنچه در جامعه متداول است، تفاوت دارد. هدف این پژوهش با بررسی برخی رفتارهای تعارف‌گونه - ی معصومین (ع) به روش توصیفی-تحلیلی تبیین رفتارهای تعارفی در جامعه می‌باشد. در نتیجه این پژوهش می‌توان گفت تعارف از جمله رفتارهای مؤدبانه‌ای است که در سیره معصومین (ع) باهدف احترام و جلب رضایت خداوند، وجود داشته است؛ اما شرط پذیرش و تایید رفتارهای تعارفی در جامعه اسلامی، عدم خلط گناهانی همچون دروغ و نفاق می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تعارف، روایات، دروغ، نفاق، تقلید

مقدمه

فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در جامعه مبتنی بر نظم اجتماعی است و این نظم از طریق افراد و رفتار گروه‌های اجتماعی تداوم پیدا می‌کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می‌شود، برخی از هنجارها از طریق مذهب، قوه مقننه و یا دولت‌ها به وجود می‌آیند و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی ما نیز از عادات و سنت‌ها ناشی می‌شوند و در ردیف شیوه‌های سنتی و تکراری انجام امور روزمره ما قرار می‌گیرند. آنچه از نظر هنجارها اهمیت دارد، فشار اجتماعی ناشی از اشخاصی است که با یکدیگر ارتباط متقابل اجتماعی دارند.

ارتباطات انسانی اگر در سایه یک الگو قرار گیرد می‌تواند موجب رشد و تعالی انسان قرار گیرد. اسلام می‌تواند ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را به عنوان الگویی برای تصحیح رفتار خود انتخاب کرده و در زندگی مدنظر خود قرار دهد.

یکی از مسائلی که امروزه به عنوان یک رفتار اخلاقی در ظاهر حسنه، مورد قبول و توجه افراد است، فرهنگ تعارف کردن است. برای واژه تعارف معانی مختلفی آورده شده؛ اما آنچه در این مقاله مدنظر است؛ رفتارهای تکلف آمیزی است که امروزه یکی از مؤلفه‌های پررنگ در فرهنگ ایران به شمار می‌آید و هرکس باهدفی خاص، سعی در جلب توجه و احترام دیگران دارد. این رفتار به شکل‌های مختلف و بیشتر بصورت کلامی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد متأسفانه گاه این رفتارهای تعارفی دچار انحراف شده و با آنچه مدنظر سیره معصومین (علیهم‌السلام) است منطبق نیست. تعارف کردن در روابط اجتماعی معمولاً شکل‌های خاصی داشته و با ادبیات گوناگون مانند؛ نوکرم، بزرگ مایی، فدای شما و... دیده می‌شود و افراد به فراخور حال شخصیت فرد مقابل به شکل حضوری، تلفنی، امروزه به صورت پیامکی و تلگرامی از خود بروز می‌دهند. اغلب رفتارهای متکلفانه در کلام مشاهده می‌شود و در مواردی به شدت مبالغه‌آمیز بوده و اگر بخواهد به مرحله عمل برسد، قابلیت انجام ندارد و این در حالی است که همگان تقریباً به توحالی بودن بسیاری از تعارف‌ها آگاه‌اند و مخاطب می‌داند که این تعارف از صمیم قلب نبوده و کسی که تعارف می‌کند صورت ظاهری رفتار خود را حفظ می‌کند و گاه خودش را در یک چهارچوب و سنت ناخواسته می‌بیند حال این سؤال پیش می‌آید که آیا تعارف باهدف احترام و یا هر هدفی با خلط برخی گناهان مانند دروغ و... جایز است؟ تعقل و سنجش کیفیت یک رفتار با ملاک‌های ارزشمند، می‌تواند به افزایش کیفیت ارتباطات اجتماعی منجر شود تا آنجا که این شناخت، حتی در مواردی که یک رفتار به صورت فرهنگ هم درآمده باشد در پیروی، اصلاح یا رد آن می‌تواند مؤثر باشد و اصلاح آن با شناخت آفات و عیوب و تطبیق آن با منابع دینی میسر می‌شود و در این صورت است که می‌توان آن را به فرهنگی ارزشی و منطبق بر اخلاق الهی تبدیل نمود. در این مقاله سعی شده است با بررسی این واژه و استمداد از سیره و دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام) به تبیین این ادب اجتماعی پرداخته و به واقعیت صحیح این گونه رفتارها پی برد.

مفهوم شناسی تعارف

واژه تعارف در زبان عرب از ریشه عَرَفَ به معنای درک و شناختن بکار می‌رود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴ ص ۳۲۶)... و «جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/ ۱۳). ای مردم ما شما را از یک مرد و زن بیافریدیم و شما را شاخه‌ها و تیره‌ها کردیم تا یکدیگر را بازشناسید...

در فرهنگ فارسی معانی متفاوت‌تری از تعریف در زبان عرب دارد؛ خوش‌آمد گفتن در آغاز ملاقات، پیشکش دادن به رسم رشوه، اظهار آشنایی و احوال‌پرسی کردن، اغراق در ادای احترام و سپاسگزاری، تکلفات رسمی و دور از صمیمیت و یکرنگی، درخواست کردن از کسی همراه با ادب و معمولاً با اصرار و... (عمید/ ۱۳۶۳).

دهخدا در لغت‌نامه خود به شکل‌ها نقل‌های مختلفی آورده است؛ [تلا ر] (ع مص) یکدیگر را شناختن. (زوزنی) (ترجمان جرجانی ترتیب عادل بن علی) (غیاث اللغات) (آندراج). همدیگر را شناختن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از قطر المحيط). اظهار آشنایی و احوالپرسی. هدیه و پیشکش. فلان با مهمان خیلی تعارف می‌کند. کسی را به مهمانی یا گرفتن چیزی خواندن. هرچه تعارف کردم فلان ناهار نخورد. دعوت کردن به ضیافتی یا گرفتن چیزی و تحفه‌ای. تحفه و هدیه که به کسی داده می‌شود. شناختن دو نفر یکدیگر را در تداول امروزی، خوش‌آمد گفتن در اول ملاقات، پس از درود (دهخدا، ۱۳۷۳).

تعارف در اصطلاح امروز (در فرهنگ عامه غالباً) به رفتارهای دارای تکلف فراوان و مبالغه‌آمیز و در برخی موارد ریاکارانه به جهت ادای احترام و جلب محبت دیگران گفته می‌شود که در فرهنگ ایرانیان از گذشته وجود داشته و تاکنون تغییرات زیادی کرده است. رفتارهای تعارفی متناسب با شأن و مقام، ثروت، زن یا مرد بودن و... متفاوت بوده و زمینه‌های تعارف نیز کاملاً با هم فرق می‌کرده است. در گذشته احترام‌های مبالغه‌آمیز و تکلف در رفتار با بزرگان و اشراف و گرامیداشت آن‌ها در محافل و محیط‌های اجتماعی بسیار پررنگ بوده و معمولاً این رفتارها اختصاص به بزرگان و شاهان داشته و عزت و احترام برای افراد متمول و طبقات بالای هر جامعه صورت می‌گرفته که گاه با دادن القاب و نشان‌ها و... خود را نشان می‌داده است.

یکی از جامعه‌شناسان درباره جایگاه تعارف میان مردم ایران می‌گوید:

در هیچ کشوری سلسله‌مراتب تشریفات و آداب احترام با چنان دقت و وسواسی که در ایران معمول است، اجرا نمی‌شود. ایشان یکی از زمینه‌های رایج تعارف را در روابط شغلی و ارتباطات اجتماعی، حفظ موقعیت‌های کاری افراد می‌داند و به‌طور کلی تعارف کردن را، نوعی رفتار حسابگرانه می‌داند و معتقد است که تعارف زیرمجموعه‌هایی مثل تملق، چاپلوسی و تعریف و تمجید اغراق‌آمیز دارد و جنبه ادب و احترام داشته و رفتار شایسته محسوب می‌شود.

برخی از جامعه‌شناسان غربی معتقدند: در اندیشه رفتار ایرانی‌ها نوعی تقابل بیرونی و درونی وجود دارد و حفظ ظاهر مهم‌تر از هر مسئله‌ای است. بنابراین در تعارفات روزمره مردم ایران، فقط کلام است که کاربرد دارد و معمولاً به آنچه گفته می‌شود اعتقادی نیست و هدف فقط جلب رضایت فرد مقابل است حال به هر قیمت و روشی! (بیمن، ۱۳۸۶).

حالت‌های تعارف

در مسئله تعارف تنها رفتار تعارف‌کننده مدنظر نیست بلکه پذیرنده تعارف هم خود ممکن است دچار خطای رفتاری شود. در ارتباطی که تعارف در آن صورت می‌گیرد ۴ حالت وجود دارد.

الف- تعارف‌کننده ناصدق، تعارف‌شونده صادق؛ صاحب‌خانه آماده پذیرایی از مهمان نیست و به‌طور اتفاقی دوستی را جلوی درب منزل می‌بیند و دوستش نیز در حقیقت تمایلی به رفتن ندارد. صاحب‌خانه دعوت به منزل می‌کند و دوست نمی‌پذیرد

ب- تعارف‌کننده صادق، تعارف‌شونده ناصدق؛ صاحب‌خانه تمایل دارد دوست خود را دعوت کند و دوستش هم تمایل به پذیرفتن دعوت دارد اما نمی‌پذیرد.

ج- تعارف کننده صادق، تعارف شونده صادق؛ صاحب‌خانه تمایل دارد رفیقش نیز میل به رفتن دارد صاحب‌خانه تعارف کرده و مهمان می‌پذیرد.

د- تعارف کننده ناصادق، تعارف شونده ناصادق؛ صاحب‌خانه تمایلی به پذیرایی از مهمان ندارد ولی دوستش تمایل دارد صاحب‌خانه تعارف می‌کند آشنا ابتدا تعارف کرده و امتناع می‌ورزد و پس از اصرار می‌پذیرد.

تعارف مستقل از محتوایی که دارد مستلزم درخواست و امتناع است یعنی هم‌نشینی دو متضاد؛ «خواهش و امتناع» «اصرار و انکار». بهترین وجه تعارف حالت سوم است و در بقیه این حالات نوعی رفتار مخالف دل با زبان دیده می‌شود که در لسان آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به این مطلب اشاره شده است: «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (آل عمران/۱۶۷) این نابرابری دل و زبان (دروغ و نفاق) از مجموعه گناهان کبیره به حساب می‌آیند. ملاک دوام در هر ارتباطی، صداقت و یک‌رویی است و اگر در ارتباطات اجتماعی خلاف آن رفتار شود، جایی به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی در جامعه نخواهد داشت. نمونه‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد هم درباره ائمه (علیهم‌السلام) و هم در حالات بزرگان که رفتار آن‌ها برگرفته از متون دینی است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ... وَ رَجُلٌ اسْتَقْبَلَكَ بِوَدِّ صَدْرِهِ فَيُؤَارِي وَ قَلْبُهُ مُمْتَلِئٌ غِشًّا» (مجلسی، بی تا، ج ۷۲، ص ۲۱۱).

خداوند در قیامت به سه گروه نظر نمی‌کند، گناهان آنان را نمی‌بخشد و به‌شدت آنان را عذاب می‌کند... یکی از این سه گروه انسانی است که با دیگران محبت‌آمیز برخورد کند درحالی‌که قلبش لبالب از نیرنگ و فریب باشد.

جایگاه تعارف در سیره معصومین (علیهم‌السلام)

روش‌ها و کاربردهای تعارف قطعاً ریشه در آموزه‌های دینی دارد. خاستگاه این رفتار را می‌توان در داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) جست. آنجا که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) افرادی را هرچند غریبه به منزل دعوت نموده و از آن‌ها به بهترین وجه پذیرایی می‌کردند.

خداوند متعال فرموده است:

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ * فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ» (ذاریات/۲۶-۲۴) آیا خبر مهمان‌های بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته‌اید! پس پنهانی به‌سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و) بریان شده‌ای را برای آن‌ها آورد.

این آیه شریفه به داستان وارد شدن ملائکه بر ابراهیم اشاره می‌کند که بر آن جناب درآمدند و کلمه «سلاما» مقول‌قول (حکایت سخن) ملائکه است و عامل آن حذف‌شده و تقدیرش «قالوا نسلم علیک سلاما» است؛ و اگر ابراهیم پاسخ خود را در قالب جمله‌ای اسمیه آورد، برای این بود که پاسخ بهتری به آنان داده باشد، در حقیقت آنان گفته‌اند یک سلام بر تو و وی فرموده همیشه سلام بر شما ... و مراد از «عجل سمین» گوساله چاقی است که بریان کرده باشند، یعنی پس گوساله‌ای چاق

آورد و آن را ذبح کرد و سپس کباب نموده نزدیک میهمانان گذاشت. طعام را نزدیک ایشان برد و گفت چرا نمی‌خورید؟ چون میهمانان را بشر پنداشته بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۶۷) این موضوع در سوره حجر نیز به‌خوبی آشکار است. «و نَبِّئَهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ» (حجر / ۵۲-۵۱) و به آن‌ها از مهمان‌های ابراهیم خبرده! هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!

«ضیف» به معنای میهمان است که هم بر یک نفر اطلاق می‌شود و هم بر جمع، ضمیر جمع در «دخلوا» و همچنین در «قالوا» به ملائکه برمی‌گردد، پس ملائکه سلام کردند. کلمه «سلاما» نوعی تحیت است که تقدیرش «نسلم علیک سلاما» است، یعنی بر تو سلام می‌کنیم سلامی مخصوص... (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۶۶) از این آیات این‌گونه بر می‌آید که: این دعوت و صلا‌ی دیگران به اطعام، پاسخ به سلام به‌صورت بهتر و زیباتر و سرعت در آماده‌سازی طعام، نشان از مهمان‌نوازی و تکریم و احترام او در سیره انبیاء الهی است که به‌عنوان فرهنگی اسلامی از آداب و سنت‌های ابراهیمی محسوب می‌شود. این‌گونه احترام و عزت بخشیدن به مؤمنان و دعوت از آنان از سیره همه‌ی انبیاء و اولیاء خداست. در روایات مختلف درباره احترام به مهمان و رعایت آداب اجتماعی در سیره اهل‌بیت و اهمیت و عزت بخشیدن به مؤمنان آمده است:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ سُلَيْمَانَ بْنِ مُقْبِلٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي بَعْضِ مَعَاذِهِ فَمَرَّ بِهِ رَكَبٌ وَهُوَ يَصِلِي فَوْقَهُمَا عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَسَأَلُوهُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَدَعَا وَاتَّوْنَا وَقَالُوا لَوْ لَأَنَا عَجَلًا لَأَنْتَظِرُنَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَأَقْرَعُوهُ السَّلَامَ وَمَضُوا فَأَنْفَتَلَ النَّبِيُّ (ص) مُغْضَبًا ثُمَّ قَالَ لَهُمْ يَقِفْ عَلَيْكُمُ الرِّكَبُ يَسْأَلُونَكُمْ عَنِّي وَ يَبْلُغُونَنِي السَّلَامَ وَ لَا تَعْرِضُونَ عَلَيْهِمُ الْغَدَاءَ يَعِزُّ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ خَلِيلِي جَعْفَرٌ أَنْ يَجُوزُوهُ حَتَّى يَتَغَدَّوْا عِنْدَهُ»؛ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۱۶).

رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) در یک غزوه بودند و نماز می‌کردند که کاروانی به آن حضرت گذر کردند و در برابر اصحاب آن حضرت ایستادند و از حال رسول خدا پرسیدند و بر آن حضرت دعا و ثنا کردند و گفتند: اگر شتاب‌زده نبودیم به انتظار آن حضرت می‌ماندیم، سلام ما را به آن حضرت برسانید و رفتند. وقتی رسول خدا از نماز برگشتند خشمناک شدند و به آن‌ها گفتند: کاروان در بر شما بایستد و از من بپرسد و به من سلام برساند و شما به آن‌ها تعارف چاشت نکردید...

این روایت نشان از آن دارد که احترام به افراد و دعوت و صلا‌ی آن‌ها امری پسندیده است و در سیره معصومین (علیهم‌السلام) به‌وفور یافت می‌شود.

خوردن و نوشیدن در حضور دیگران و تعارف نکردن به آنان شاید گناه به معنای حرام نباشد، اما تنها خوردن در حضور دیگران، جزو اخلاق اسلامی نیست و در روایات مورد نکوهش قرار گرفته است. پیامبر اسلام (ص) در سفارشی به علی (ع) می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ لَعَنَ اللَّهُ ثَلَاثَةً أَكَلَ زَادَهُ وَحْدَهُ وَ رَاكِبَ الْفُلَاءِ وَحْدَهُ وَ النَّائِمَ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ»؛ (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۵۹) یا علی: خدا سه گروه را از رحمت خود محروم و مهجور ساخته است: ۱. کسی که توشه‌اش را تنها بخورد. ۲. کسی که تنها راه بیابان را در پیش گیرد. ۳. کسی که تنها در خانه‌ای بخوابد.

به نظر می‌رسد این حدیث معنای عام و وسیع دارد و شامل تمام کسانی می‌شود که فقرا را در مال خویش شریک قرار نمی‌دهد و دیگران سهمی در اموالشان ندارند، اگرچه در حضور دیگران نیز نباشد.

تعارف به دیگران فضیلتی اخلاقی است که بدان توصیه شده است. علی (ع) در سفارشی به کمیل می‌فرماید: «يَا كُمَيْلُ إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَسَمِّ بِاسْمِ اللَّهِ - الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ وَهُوَ الشِّفَاءُ مِنْ جَمِيعِ الْأَدْوَاءِ يَا كُمَيْلُ إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَوَاكِلْ بِهِ - وَلَا تَبْخُلْ بِهِ فَإِنَّكَ لَمْ تَرْزُقِ النَّاسَ شَيْئًا»؛ (مجلسی، بی تا، ج ۶۳، ص ۴۲۵) ای کمیل هرگاه خواستی غذا بخوری نام خدا را بر زبان جاری کن، آن خدایی که با نام آن بیماری زبان نمی‌رساند و آن نام شفای تمام دردها است. ای کمیل! هرگاه غذا خوردی پس اعتماد به خدا کن و به آن غذا بخل موز؛ زیرا که تو مردم را چیزی روزی نمی‌دهی و خداوند در این کردار پاداش ترا فراوان کند.

البته این حکم کلی نیست، بلکه بسته به شرایط می‌تواند متفاوت باشد. به عنوان نمونه، امروزه در رستوران، ساندویچی، بوفه و ... عرفی شکل گرفته که دیگران هیچ انتظار تعارفی نداشته و حتی در صورت تعارف نیز یقینی است که این درخواست رد می‌شود. در این موارد، شاید تعارف نکردن ناپسند نباشد. البته در همین مورد، اگر فقری در گوشه‌ای نظاره‌گر ما باشد باز قضیه فرق می‌کند.

به عبارتی، اگر در میان جمع فردی وجود داشته باشد که در صورت تعارف، ممکن است آن را بپذیرد، تعارف مستحب است اما در غیر این صورت، لازم نیست که حتماً هنگام غذا خوردن تعارفی فرمایشی داشته باشیم.

یکی دیگر از این روایات درباره ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عایشه به نقل از ام سلمه است: «قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ كُنْتُ صَاحِبَةً عَائِشَةَ الَّتِي هَيَّأَتْهَا وَادْخَلَتْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَ وَمَعِيَ نِسْوَةٌ قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا وَجَدْنَا عَنْدَهُ قُوْتًا إِلَّا قَدْحًا مِنْ لَبَنٍ فَشَرِبَ ثُمَّ نَاولَهُ عَائِشَةَ قَالَتْ فَاسْتَحْيَتِ الْجَارِيَةَ فَقُلْتُ لَا تَرْدِينِ يَدَ رَسُولِ اللَّهِ خَذِي مِنْهُ قَالَتْ فَأَخَذَتْهُ عَلَى حَيَاءٍ فَشَرِبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ نَاولِي صَوَاحِبِكِ فَقُلْنَ لَا نَشْتَهِيهِ فَقَالَ لَا تَجْمَعْنَ جُوعًا وَكَذِبًا قَالَتْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ قَالَتْ أَحَدُنَا لَشَيْءٍ يَشْتَهِيهِ لَا نَشْتَهِيهِ أَوْ يُعَدُّ ذَلِكَ كَذِبًا قَالَ إِنْ الْكَذِبَ لِيَكْتَبُ حَتَّى يُكْتَبَ الْكُذِبُ كُذِّبَةً»؛ (مجلسی، بی تا، ج ۶۹، ص ۲۵۸).

در شب زفاف عایشه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ظرف شیری را به من داد و فرمود: به زن‌ها بده تا بخورند، (وقتی به آن‌ها تعارف کردم) آن‌ها گفتند میلی به نوشیدن شیر نداریم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: بین گرسنگی و دروغ جمع نکنید. اسماء گفت: یا رسول الله اگر چیزی را که به آن میل داریم و بگوییم میل نداریم، آیا دروغ شمرده می‌شود؟! فرمودند: به درستی که دروغ در نامه عمل ثبت می‌شود هرچند کوچک باشد.

در این روایت به خوبی احترام به مهمان همراه با تعارف صادقانه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عدم پذیرش همراه با دروغ، از مهمان واضح است و دروغ شاکله کلام مهمان است که توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رد می‌شود. پس نتیجه می‌شود که دروغ به جهت خوش آمدن دیگران و با هر منظوری جایز نیست. آیات و روایات متعدد در مذمت دروغ آمده است که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد.

در روایتی دیگر آمده است: «عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْخَطَّابِ الْخِلَالِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَتَاهُ مَوْلَى لَهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَمَعَهُ ابْنُهُ إِسْمَاعِيلُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَجَلَسَ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) انْصَرَفَ مَعَهُ الرَّجُلُ فَلَمَّا انْتَهَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَى بَابِ دَارِهِ دَخَلَ وَتَرَكَ الرَّجُلَ فَقَالَ لَهُ ابْنُهُ إِسْمَاعِيلُ يَا أَبَتِ أَلَا كُنْتَ عَرَضْتَ عَلَيْهِ الدُّخُولَ فَقَالَ لَمْ يَكُنْ مِنْ شَأْنِي إِدْخَالُهُ قَالَ فَهُوَ لَمْ يَكُنْ يَدْخُلُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَكْتُبَنِي اللَّهُ عَرَاضًا»؛ (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۴۱۷)

روزی امام صادق (علیه السلام) به همراه فرزندشان اسماعیل در مجلسی بودند، یکی از دوستان آن حضرت وارد شد و سلام کرد و سپس نشست، وقتی حضرت از جای برخواستند که از مجلس خارج شوند، آن شخص نیز از جای درخواست و به

اتفاق امام (علیه السلام) به راه افتاد، در راه همراه امام بود تا اینکه به درب خانه‌ی امام رسیدند، امام (علیه السلام) بدون اینکه به آن شخص تعارف کنند از او جدا شده و وارد خانه شدند، در این هنگام اسماعیل به حضرت عرض کرد: ای پدر چرا به آن شخص تعارف نکردید و نفرمودید داخل منزل شود؟! حضرت فرمود: آمدنش در خانه موردی نداشت (آمدگی پذیرش او را نداشتیم) اسماعیل گفت: اگر تعارف می‌کردید او خودش نمی‌آمد. حضرت فرمود: دوست ندارم که خداوند نام من را جزء کسانی ثبت فرماید که در تعارف زیاده‌روی می‌کنند. (تعارف‌های دروغین می‌کنند).

از این روایت برمی‌آید دعوت‌کننده اگر آمادگی پذیرش مهمان را نداشته باشد خطاست که رفتاری خلاف آن را انجام دهد. پس لزومی ندارد به جهت احترام ظاهری و خوش آمد دیگران، رفتاری مخالف دل، همراه با دروغ که خشم خدا را در پی دارد، انجام بدهد. آنچه از روایات برمی‌آید این است که دعوت و احترام به مؤمن یک اخلاق پسندیده و مورد رضای خداوند است اما شروطی دارد و آن صداقت در گفتار و عمل است. رفتارهای تعارفی جامعه ما صرفاً به جنبه احترام و خوشآمد دیگران صورت می‌پذیرد و متأسفانه تکلف و دروغ نیز همراه این احترام دیده می‌شود.

«وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَقُولُ لَوْلَيْدَهُ اتَّقُوا الْكَذِبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جَدٍّ وَهَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَادِقًا وَلَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَكْذِبُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ كَاذِبًا.»

امام زین العابدین (علیه السلام) به فرزندانشان می‌گفتند: «از دروغ کوچک و بزرگ چه شوخی و چه جدی بترسید و بپرهیزید؛ زیرا که هرگاه مرد، دروغ کوچک گفتن بر دروغ بزرگ گفتن هم جری می‌گردد؛ مگر نمی‌دانید که رسول خدا (ص) فرمود: بنده همیشه راست می‌گوید تا اینکه خدای عزوجل نامش را در زمره راست‌گویان می‌نویسد و آن‌قدر دروغ می‌گوید تا اینکه خدا در شمار دروغ‌گویان نامش را می‌نویسد». (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۳۸).

تعارف در معنای احترام و عزت بخشیدن به دیگران، در زندگی ائمه معصومین (علیهم السلام) بر مبنای اصول اعتقادی و دقیقاً در جهت خشنودی خداوند و انجام وظایف انسانی است و در آن هیچ‌گونه خطای رفتاری وجود ندارد، اما متأسفانه این فرهنگ در جامعه اسلامی با وجود گستردگی که دارد، گاه صادقانه نیست و نفاق و دورویی در آن مشاهده می‌شود. این رفتار محبت‌آمیز و محترمانه، گرچه ظاهر مقبولی دارد ولی عملاً در برخی موارد، نه تنها رضایت خداوند را در پی ندارد، بلکه خشم و غضب الهی را نیز به دنبال دارد زیرا فرد برای انجام یک عمل مستحب به راحتی متوسل به گناه شده که آسیب بزرگی در رفتار محسوب شده که مورد تأیید منابع دینی نیست.

تعارف ممدوح و مذموم

تعارف مصطلح فرهنگی اجتماعی که در میان ایرانیان مسلمان مرسوم است، یک عمل پسندیده با مبانی و خاستگاه قرآنی است؛ زیرا تعارف به معنای شناخت و تکریم و احترام به هم‌نوعان به‌ویژه هم‌کیشان، امری پسندیده و بسیار مطلوب و مورد تشویق و ترغیب آموزه‌های اسلامی است.

البته هر رفتاری می‌تواند با توجه به نیت افراد، تغییر ماهیت پیدا کند؛ همان‌طوری که نماز به‌عنوان یک عمل صالح اسلامی با نیت ریا می‌تواند بی‌تأثیر شود و گاه حتی تأثیر منفی به‌جا گذارد. تعارف به‌عنوان یک عمل صالح و رفتار پسندیده اجتماعی می‌تواند با دروغ و تفاخر و مانند آن از یک عمل مفید و سازنده اجتماعی به یک عمل زشت و نادرست تبدیل شود.

بنابراین می‌توان تعارف را به دو نوع تقسیم کرد. یکی تعارف مقبول (پسندیده) و دیگری تعارف قبیح (ناپسند) که با توجه به آنچه در روایات گفته شد، تعارف مقبول نه‌تنها موردپسند خداوند قرار خواهد گرفت بلکه آنچه هرکس از جلب محبت و احترام دیگران به خود نیاز دارد، به آن خواهد رسید. دلایل متعددی ممکن است به ظهور و بروز رفتارهای تعارفی بیانجامد که هر یک در جای خود جای بحث دارد.

آسیب‌شناسی رفتار در تعارف

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری هر انسانی در جامعه ایجاد ارتباط صحیح با دیگران است که در آن صورت در جامعه محبوب شده و مورداحترام دیگران قرار می‌گیرد. اگر ارتباطی آن‌گونه که شایسته است صورت نگیرد و در آن رفتار، آفتی (آسیب، عیب، نقص) ورود پیدا کند، ممکن است حتی آنچه موردنظر فرد (جلب احترام، اعتبار و...) است در ارتباطات اجتماعی به دست نیاید. آفات به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱- آفات و عیوب مادی که مربوط به نقایص جسم است و از این بحث خارج هستند.

۲- آفات و عیوب روحی و معنوی و رذایل اخلاقی که شامل اعتقادی، عاطفی و رفتاری است که در رفتارهای تعارفی دیده می‌شود.

این نوع عیوب رفتاری در هر ملت و فرهنگی ممکن است متفاوت باشد. به‌عنوان مثال در نظام‌های فاسد برخلاف نظام اسلامی، بسیاری از ارزش‌ها مانند حجاب و عفاف و حیا، ضد ارزش محسوب می‌شوند اما از نظر اسلام عیب چیزی است که انسان را از راه فطرت و کمال بازداشته و مانع رسیدن به هدف شود.

در هر جامعه‌ای ارتباط با دیگران و ارتباط هر فرد با خود مهم‌ترین مسئله است که می‌تواند در آن جامعه نقش‌آفرین باشد حال اگر در این ارتباط عیب و نقصی بروز نماید، آنچه مطلوب است، اتفاق نمی‌افتد. گاه عیب رفتاری، فردی است، مانند دروغ... و گاه این عیب اجتماعی است که شامل مواردی مثل استهزا، تهمت، غیبت و... می‌شود.

عیوب فردی

۱- دروغ؛ یکی از عیوب فردی انسان در ارتباط با دیگران دروغ است که معمولاً در تعارفات روزمره استفاده می‌شود. چون یک رفتار درونی است و دیگران ممکن است آن را متوجه نشوند؛ اما همین عیب فردی جزء گناهان کبیره‌ای است که مجازات الهی را در پی دارد و رفتار به‌ظاهر صحیح را به یک رذیلت تبدیل می‌نماید. رفتار بزرگان ما نیز مؤید این است که تحت هیچ شرایطی برای خوش‌آمد دیگران نمی‌توان رفتاری با شالوده دروغ از خود بروز داد. آیت‌الله بروجردی درباره علامه درچه‌ای نقل می‌کند که:

...از جمله ویژگی‌های ایشان آن بود که هنگام غذا خوردن از تعارفات مرسوم خودداری می‌کردند یک روز از ایشان سؤال کردیم که چرا در هنگام غذا خوردن تعارف نمی‌کنید؟ پاسخ دادند: «در تمام مواقع خوف آن دارم که تعارفم دروغ باشد و خدای ناکرده جزء دروغ‌گویان محسوب شوم؛ چون افرادی که هنگام غذا خوردن بر من وارد شده‌اند، یا می‌دانستم که غذا خورده‌اند و در این صورت تعارف کردن معنایی نداشت؛ یا احتمال می‌دادم غذای مرا نپسندند و یا اینکه غذای موجود فقط به اندازه خودم بوده و من هم بی‌اندازه گرسنه بوده به هر حال چون احساس می‌کنم در این گونه موارد تعارف بنده معنایی ندارد و شائبه دروغ نیز به آن وارد است، از تعارف خودداری می‌کنم». (درچه‌ای، ۱۳۸۷، ص ۵۴)

۲ - خجالت (کم‌رویی)؛ از ریشه «خجل» در قرآن، کلمه‌ای نیامده است؛ بنابراین، برای یافتن معنای واقعی آن، باید از کتب لغت و روان‌شناسی کمک گرفت. غیر از معانی گوناگونی که برای خجالت آمده، «کم‌رویی» بهترین معادلی است که می‌توان برای این کلمه در نظر گرفت. کم‌رویی، توجهی غیرعادی و مضطربانه به خویشتن، در یک موقعیت اجتماعی است که در نتیجه‌ی آن، فرد دچار نوعی تنش روانی - عضلانی شده، شرایط شناختی و عاطفی‌اش متأثر می‌گردد و زمینه بروز رفتارهای خام و ناسنجیده و واکنش‌های نامناسب در وی فراهم می‌شود. به سخن دیگر، کم‌رویی، «خود توجهی» فوق‌العاده و ترس از مواجه شدن با دیگران تعریف می‌شود (افروز، ۱۳۹۲، ص ۱۵). اسلام با کم‌رویی مخالف است و این از توصیه‌های اسلام درباره پذیرش مسؤولیت‌ها و نوع وظایف فردی و اجتماعی فهمیده می‌شود. پرواضح است که پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی و انجام وظایف انسانی و اسلامی، بدون خمیرمایه شجاعت ممکن نیست.

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران / ۱۰۴) باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند.

نیاز به شجاعت اخلاقی و توانایی برقراری رابطه‌ی مفید و مؤثر دارد (افروز، ۱۳۹۲، ص ۱۵) در تعارف هم ترس از عدم تأیید دیگران و عدم شجاعت در بیان حرف حق باعث می‌شود، فرد رفتار خلاف دل از خود نشان دهد.

۳ - تقلید؛ یکی دیگر از عیوب رفتاری انسان در ارتباطات اجتماعی محسوب می‌شود. در فقه انواع تقلید آمده و فقط تقلید جاهل از عالم مورد تأیید است. با نگاهی دیگر تقلید در روابط اجتماعی نیز انواعی دارد.

- تقلید عیناً و بی‌درنگ (تقلید کودک خردسال از دیگران بدون آگاهی، تفکر و علم به آن کار)

- تقلید بالمعنی الاخص (تقلید آگاهانه ولی با اطلاعات کم) تقلید کودک از برخی رفتارها بزرگ‌ترها با توجه به علاقه به آن رفتار و محبوبیت فرد ملاک تقلید کودک خواهد بود. تقلید از نوع پوشش و یا ... از افراد خاص و مورد علاقه‌اش.

- تقلید اقتباسی تقلید عالمانه و انتخاب از بین گزینه‌های مختلف همراه با دانش و آگاهی (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۲۱۸).

در رفتارهای تعارفی منظور از تقلید، نوع دوم آن است که در آن شخص از رفتار شخص دیگری آگاهانه اما بدون اطلاعات کافی تقلید می‌کند؛ مثلاً از آنجایی که سنت تعارف در خانواده مرسوم بوده و با اصرار مهمان را به خانه دعوت می‌کردند، لذا فرزندان نیز به تبع آن، این رفتار را دنبال می‌کنند. گرچه رفتار فرزند آگاهانه و از روی عقل است اما به اصل ممدوح یا مذموم بودن این مسئله آگاهی کامل ندارد چه بسا تمایلی به ادامه حضور مهمان ندارد، اما چون این گونه آموخته است، به اجبار تابع سنت خانواده می‌شود. تبعیت بدون علم باعث تکلف در رفتار وی می‌شود و رفتاری منافقانه به جهت خوش آمد فرد مقابل از خود نشان می‌دهد. در آیه ۳۶ سوره اسری آمده است که: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ

مَسْئَلًا؛ دنبال چیزی را که بدان علم نداری مگیر که گوش و چشم و دل در باره همه این‌ها روزی مورد بازخواست قرار خواهی گرفت.

این آیه از پیروی و متابعت هر چیزی که علم و یقین در آن وجود ندارد، نهی می‌کند و چون مطلق و بدون قید و شرط است پیروی اعتقاد غیرعلمی و همچنین عمل غیرعلمی را شامل گشته و معنایش چنین می‌شود: به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو و چیزی را که نمی‌دانی مگو و کاری را که علم بدان نداری مکن، زیرا همه این‌ها پیروی از غیر علم است، پیروی نکردن از چیزی که بدان علم نداریم و همچنین پیروی از علم در حقیقت حکمی است که فطرت خود بشر آن را امضاء می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۲۷) پس باید گفت که انسان سلیم الفطره در مسیر زندگی‌اش علم کسی را پیروی می‌کند که وثوق و اطمینان و یقین به صحت گفته‌های وی دارد.

به‌طور معمول در ارتباطات اجتماعی افراد، در پی آن هستند که از جامعه به نفع و صلاح خود بهره ببرند (جلب محبت و احترام نیز یکی از انواع آن است) به همین دلیل هم از سنت‌ها و عادات جامعه پیروی می‌کند. این بهره‌گیری گاه به دلیل ایجاد نوعی عاطفه مثبت یا حداقل عدم وجود عاطفه منفی است. حال اگر کسی از عادات و رسوم جامعه خود پیروی نکند دو اتفاق می‌افتد، اول این که به صورت فردی درمی‌آید که رفتارهای موجود و مرسوم عجین شده با جامعه را رد کرده و انجام نمی‌دهد که در این صورت این فرد، با جامعه تناسبی ندارد و منزوی می‌شود. دوم این که تخلف از سنت‌های رایج جامعه برای فرد تبعاتی چون فشار اجتماعی، نکوهش، تقبیح، سرزنش، استهزاء و... در پی خواهد داشت؛ مثلاً اگر مهمانی را به خانه بنا به معذوریت دعوت نکند و یا اصرار بر ماندن مهمان در منزل نداشته باشد، دیگران او را نامهربان دانسته و گاه خصلت خسیسی و یا بی- معرفتی و... به او می‌دهند. پس وی باید تسلیم رفتارهای جامعه باشد و علی‌رغم میل باطنی به دروغ، رفتاری مطابق میل جامعه از خود نشان دهد، کاری که شایسته یک انسان مؤمن نیست؛ زیرا در رفتار مؤمنین هرگز دروغ و رفتارهای منافقانه دیده نمی‌شود. پس می‌توان گفت تعارف ارتباطی با دروغ و رفتارهای منافقانه نیز دارد که به آن پرداخته می‌شود.

جلوه‌های تعارف با برخی رفتارها و گفتارها

تعارف رفتار ظاهراً موجه و پسندیده‌ای است که ادب و شخصیت و نوع دوستی را می‌رساند. هرچند گاهی با دروغ، گاه با ظاهرسازی به اسم تقیه و همچنین گاه به شکل رفتارهای منافقانه ظهور و بروز می‌کند؛ لذا، به دلیل آمیختگی تعارف با هر یک از موارد یادشده اشاره به ارتباط آن با هم ضروری به نظر می‌رسد.

۱- تعارف صحیح :

تعارف صحیح را می‌توان از روایات استخراج کرد، تعارفاتی که از روی اکراه و دروغ نباشد و شخصی که به مهمان و اشخاص دیگر تعارف می‌کند از روی صدق و نیت بوده و نتیجه‌ای که از آن می‌خواهد حاصل کند نیز با قرآن و سنت هماهنگ است. توضیح این مطلب، در باب تعارف در سیره معصومین (علیهم السلام) به طور مفصل اشاره شد و در این قسم به علت ضیق مجال به آن اشاره نمی‌شود.

۲. تعارف ناصحیح :

الف) تعارف تقیه ای: تقیه، پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن، در برابر مخالفان به منظور

اجتناب از ضرر دینی یا دنیایی است (مفید، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷) تقیه به معنای نگاهداری خود از صدمه دیگری است، از راه موافقت با او در رفتار یا رفتار مخالف حق. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «صَلَّاحُ شَأْنِ النَّاسِ التَّعَايُشُ وَ التَّعَاشُرُ مِلَّةٌ مِکْيَالٌ: ثَلَاثَةٌ فِطْنٌ، وَ ثَلَاثٌ تَغَافُلٌ» (مجلسی، بی تا، ۷۴، ص ۱۶۷) سامان یافتن کار مردم به این است که طوری با هم معاشرت کنند که مانند پیمانهای باشند دو سومش هوشیاری و یک سومش نادیده گرفتن و چشم پوشی. در رفتار تعارفی و ارتباطات بین مسلمانان رفتار صادقانه در تعارف هیچ ضرری به دین و فرد مقابل نمی زند و برعکس، سبب استحکام ارتباط می شود زیرا هر دو نفر می دانند صداقت در رفتار، به دلیل بی محبتی یا بی احترامی نیست. و زمانی تقیه در آن جایز است که ضرر به دین واضح باشد بنابراین با توجه به این که ادله قرآنی، روایی و عقلی جواز تقیه را می دهند این سؤال پیش می آید که آیا در تعارف می توان تقیه کرد؟ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

«إِنَّ النَّبِيَّ (ص) بَيْنَا هُوَ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ عَائِشَةَ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَنَسَ أَخُو الْعَشِيرَةِ - فَقَامَتْ عَائِشَةُ فَدَخَلَتْ الْبَيْتَ وَ أَذِنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلرَّجُلِ فَلَمَّا دَخَلَ أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ بَشَرَهُ إِلَيْهِ يُحَدِّثُهُ حَتَّى إِذَا فَرَغَ وَ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا قَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَيْنَا أَنْتَ تَذْكُرُ هَذَا الرَّجُلَ بِمَا ذَكَرْتَهُ بِهِ إِذْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِوَجْهِكَ وَ بِشَرِكٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عِنْدَ ذَلِكَ إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتَهُ لِفُحْشِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۲۶)

روزی پیامبر (صلی الله علیه وآله) نزد عایشه بود که مردی اجازه ورود خواست. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «چه بد است برادر قبیله!» عایشه برخاست و به خانه رفت و پیامبر به مرد اجازه داد. چون وارد شد پیامبر (صلی الله علیه وآله) با روی خوش و چهره گشاده از او استقبال کرد تا اینکه کارش تمام شد و از نزد رسول خدا رفت. عایشه گفت: ای رسول خدا! چه شد که اول، آن گونه از او یاد کردی، اما بعدش با روی خوش و چهره گشاده از او استقبال نمودی؟! رسول خدا فرمود: همانا از جمله بدترین بندگان خدا کسی است که مردم، به خاطر فحش و بدزبانی اش از مجالست با او کراهت دارند.

مراد از عشیره، قبیله است و منظور از «أخو العشیره»، قوم فرد را گویند. (مازندرانی، ۱۳۸۸ ق، ج ۹، ص ۳۴۵) و مفهوم سخن پیامبر این است که این مرد، از جمله همان کسانی است که مردم به خاطر فحش و بدزبانی اش از مجالست با او کراهت دارند و برای همین، ابتدا آن گونه در حقش گفتم، ولی این گونه از او استقبال نمودم؛ چون اگر چنین نمی کردم، از شر او و فحشش در امان نبودم. عده ای از علمای شیعه، این حدیث را حمل بر تقیه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نموده اند (همان، ج ۱، ص ۳۵۱).

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ ضَرُورَةٍ وَ صَاحِبُهَا أَعْلَمُ بِهَا حِينَ تَنْزِلُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۱۹) تقیه مربوط به موارد ضرورت است و تقیه کننده خود داناتر است که چه زمانی ضرورت پیش می آید... و درجایی دیگر می فرمایند: هرگاه (شیوه) فرمانروایی و حکومت، کودکانه (از روی هوی و هوس) باشد با مردم در ظاهر معاشرت کنید و در باطن مخالف آن ها باشید (همان، ح ۲۰) برای تقیه باید اهم و مهم کرد که این کار در تعارف نیز مهم است. روایتی که بیان شد طبق نظر علمای شیعه تقیه صورت گرفته است اما به نظر می رسد در تعارفات روزمره ضرورتی برای تقیه نیست و دوگانگی دل و زبان مصداق نفاق است. و زمانی می توان در تعارفات تقیه کرد که علم به وضوح و شناخت مسئله وجود داشته باشد و هر کس نمی تواند بنا به صلاح دید خود بدون علم کافی در ارتباطات خود تقیه داشته باشد.

ب) تعارف دروغین

در رفتارهای تعارفی متأسفانه دروغ هم دیده می‌شود. معنا و مفهوم دروغ برای همه روشن است. دروغ در لغت آن چیزی است که برخلاف واقع باشد و در سه مورد به کار می‌رود:

۱- گمان و اعتقاد برخلاف واقع ۲- فعل و عمل مخالف با رفتار ۳- کلام و گفتار مخالف با واقع

بنابراین، اگر سخن انسان مطابق با واقعیت باشد راست و اگر برخلاف واقعیت باشد دروغ است. درباره مذمت دروغ و دروغ‌گو در آیات الهی و روایات، فراوان سخن به میان آمده از آن جمله می‌توان به حدیثی که منسوب به امام حسن عسگری (علیه‌السلام) است، اشاره کرد: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ»؛ (مجلسی، بی تا، ج ۹، ص ۲۶۳) تمام پلیدی‌ها در اتاقی قرار داده شده و کلید آن دروغ است.

از این حدیث و روایات مختلفی که درباره دروغ آمده می‌توان فهمید که انسان حتی با گفتن کوچک‌ترین دروغ، برخلاف فطرت پاک و شخصیت انسانی خود پیش می‌رود زیرا دروغ دشمنی با خداوند و برخلاف فلسفه آفرینش است زیرا او جهان را بر اساس صدق و راستی و حقیقت و درستی بنانهاده است. قرآن کریم در آیات متعددی به اقسام دروغ اشاره و جایگاه دروغ‌گو را دوزخ اعلام می‌کند. از آن جمله آیه ۵ سوره کهف است که در آن به دروغ در گفتار اشاره شده است. «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِإِبَائِهِمْ كِبَرٌ تَكَلَّمُوا تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ أَنْ يَقُولُوا الْكَذِبَ»؛ نه آن‌ها (هرگز) به این سخن یقین دارند و نه پدران‌شان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می‌شود! آن‌ها فقط دروغ می‌گویند!

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ، أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ»؛ (انعام/۲۱) چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس‌ازآنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟!

یکی دیگر از دروغ‌هایی که زیاد استفاده می‌شود و مورد مذمت قرار گرفته و مردم آن را سهل می‌دانند و درواقع حرام است، آن است که کسی بر دیگری وارد شود و بگوید اشتها ندارم بدون غرض شرعی مگر آنکه آن طعام را حرام داند... (نراقی، ۱۳۴۸، ص ۴۹۳) از پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله) سؤال شد: آیا ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود: آری. عرض شد: آیا می‌شود مؤمن، بخیل باشد؟ فرمود: آری. عرض شد: آیا ممکن است مؤمن، دروغ‌گو باشد؟ فرمود: نه. (ری - شهری، ۱۳۶۲، ج ۱۱، ص ۵۱۲۵).

امام علی (علیه‌السلام) نیز می‌فرمایند: «از دروغ کناره‌گیری زیرا دروغ از ایمان برکنار است. شخص راست‌گو در لبه نجات و کرامت است و شخص دروغ‌گو، در آستانه پرتگاه و خواری (همان، ج ۱۱، ص ۵۱۲۵).

دروغ به شوخی یا جدی و کوچک یا بزرگ تفاوتی ندارد. دروغ در اعمال نیز از انواع دیگر دروغ محسوب می‌شود که در آن شخص آنچه می‌نماید، نیست و باطن و ظاهرش متفاوت است که این ویژگی بارز منافقان در آیات الهی محسوب می‌شود سزای آن‌ها جز عذاب الهی نیست. در احادیث مختلف هم دروغ را از ویژگی‌های منافقان شمرده‌اند. دروغ، دری از درهای نفاق است (همان، ج ۱۱، ص ۵۱۲۳). خدای تبارک و تعالی به حضرت عیسی (ع) فرمود: ای عیسی، در نهان و عیان یک‌زبان باش و یکدل من تو را از خودت بر حذر می‌دارم و بس است که من آگاه باشم، دو زبان در یک‌دهان نشاید و نه دو شمشیر در یک جلد و نه دو دل در یک سینه و همچنان در ذهن‌ها. (مجلسی، بی تا، ج ۱۵ ص ۱۲۸) حب خدا و حب دنیا با هم جمع نشوند و پیروی خدا و دنبال رفتن هوی و هوس در یکدل نگنجد و آدمی را دو دل نیست که با یکی خدا را پرستد و با آن کار خدایی

کند و دیگری دنیاخواه و شهوت‌پرست باشد و در کارها قصد او کند (احزاب / ۴) یک‌زبانی آن است که انسان در هر حالی برای غرض‌های بی‌پهوده دو گونه نگوید. یکدل باشد در یکدل نمی‌شود. هم دوستی دنیا باشد و هم دوستی خدا (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۳۰) دوستی دنیا باید در راه رضایت خدا باشد اما از آنجایی که در روابط و ارتباطات انسانی معمولاً هدف خوش‌آمد مخاطب است نه رضای خدا. به همین دلیل به راحتی رفتاری خلاف آنچه در دل دارند برای خوش‌آمد دیگران از خود بروز می‌دهند و تعارف آن‌ها به جای این که ممدوح باشد، مذموم می‌شود.

فردی که تعارف می‌کند اگر هدفش ظاهرسازی در رفتار باشد و دوست داشته باشد فرد مقابل، او را انسانی متصف به صفت اخلاقی و مبادی‌آداب و بااخلاق ببیند آنچه در دلش هست پنهان کرده و آنچه را دوست ندارد ظاهر می‌کند یعنی فریب دیگران (رفتار منافقانه) و یا برای اینکه دیگران او را از نظر اخلاق ستایش کرده و مورد تعریف و تمجید دیگران واقع شود تعارف می‌کند که طبق آنچه بیان شد مورد تأیید نیست.

ج) تعارف منافقانه؛ نفاق یعنی دو چهرگی، این که انسان جویری باشد و طور دیگری ارائه دهد؛ یعنی اظهار خلاف باطن خویش. برخی افراد، رفتارهای منافقانه را نوعی تقیه محسوب می‌کنند که لازم است مقایسه‌ای بین آن‌ها صورت پذیرد؛ نفاق برای به دام انداختن دیگری است که اگر انسان صراحت به خرج دهد او راه خود را می‌گیرد و می‌رود... نفاق، ابطان کفر و اظهار ایمان است و از دو جهت بد است: یکی جهت کفر و دیگر جنبه‌ی اغفال و تعمیه و شبهه اندازی. تقیه برای حفظ نیروی مالی یا جانی یا اعتباری خود است که اگر صراحت به کار برده شود، طرف ضریب خود را وارد می‌آورد. دروغ سرچشمه نفاق است چرا که راست‌گویی یعنی هماهنگی زبان و دل و دروغ ناهماهنگی این دو است و نفاق نیز چیزی جز تفاوت ظاهر و باطن نیست دروغ به هزل و شوخی نیز یکی دیگر از انواع دروغ است «هیچ بنده‌ای مزه ایمان را نمی‌چشد تا دروغ (شوخی باشد یا جدی) مطلقاً ترک کند» (نراقی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۳).

دروغ از صفات بارز منافقان است و معمولاً در کنار نفاق قرار می‌گیرد. در یک رفتار وقتی زبان و دل یکی نباشد آن رفتار به رفتار منافقانه تبدیل می‌شود... خداوند متعال یکی از ویژگی‌های منافق رادروغ‌گویی می‌شمارد در آیه ۷۷ سوره توبه آمده است: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَقُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بَمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»؛ اعمال آن‌ها نفاق در دل‌هایشان تا روز قیامت ایجاد کرد، به خاطر اینکه عهد خدا را شکستند و به خاطر اینکه دروغ می‌گفتند.

عوامل زمینه‌ساز رفتارهای تعارفی

تعارف کردن یک ادب و اخلاقی اجتماعی است که نمی‌توان آن را به وراثت ربط داد و بیشتر جنبه اکتسابی دارد زیرا بروز رفتار در ظاهر است. افراد در ارتباط با یکدیگر برخی از رفتارها را می‌آموزند. عوامل متعددی در تعارفی بودن شخص مؤثر هستند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف- محیط خانواده: کودکان آینه تمام نمای رفتار والدین خود هستند و خانواده تعارفی معمولاً فرزندان تعارفی خواهند داشت.

ب- عدم اعتماد به نفس: با توجه به خودستایی و خودخواهی در برخی افراد می‌توان گفت اگر اعتماد به نفس در فردی وجود داشته باشد و به خود و توانایی خود اطمینان دارد نیازی به دیگر ستایی ندارد و دست به چاپلوسی و تملق که یکی از رفتارهای مبالغه‌آمیز نیز در تعارف است نمی‌زنند.

ج- عاطفی بودن و احساسی بودن: افراد احساسی اغلب نگران این هستند که رفتارشان طرف مقابل را ناراحت نکند و به همین دلیل و فقط به خاطر رضایت دیگران از خود، بیهوده تعارف می کنند.

د- ترس و عدم امنیت وجودی (خجالت): یکی از عوامل دروغ گویی خجالت است. گاه فقط به دلیل شرم و خجالت فرد توان راست گویی نداشته و حقیقت را عنوان نمی کند.

ه- ظاهر بین بودن: افرادی که فقط ظاهر رفتارهای اجتماعی را می بینند و تلاش در بهبود کمیت ارتباط نمی کنند از هر راهی برای درست کردن ظاهر یک رفتار وارد می شوند (نوروزی، ۱۳۸۶، ص ۶۸)

نتیجه گیری

تعارف به عنوان یک شیوه ارتباط در تعاملات اجتماعی، امری رایج در فرهنگ ایرانی است. که گاه با گناهای مانند دروغ و نفاق آمیخته می شود. در رفتارهای تعارفی معصومین (علیهم السلام) به دو دسته از روایات اشاره شده است، روایاتی که مسلمان امر می شود که در هنگام غذا به دیگران و همسایگان تعارف کند و از آنان دعوت کند. و روایاتی که مسلمانان از تظاهر کردن به عطوفت و مهربانی در هنگامی که امکان آن نیست جلوگیری شود. که هر یک در صورتی که موافق مبانی دینی باشد قابل قبول هستند.

تعارف به دو صورت، شکل می گیرد صحیح و غیر صحیح. تعارف صحیح که مستند آن روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) می باشد مسیر درستی را می پیماید. و در راستای رضای خداوند بدون هیچ گونه گناهی صورت می پذیرد، اما تعارف غیر صحیح، بدلیل نابرابری زبان و قلب انسان و کلام ناصدق سه وجهه تقیه، نفاق و دروغ را به خود می گیرد.

عوامل مهمی چون؛ محیط خانواده، ترس، عدم اعتماد به نفس و... باعث تعارفات تقلیدی شده که جایگاهی در حوزه اخلاقیات ندارند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن کریم، ۱۳۷۳
۲. ابیمن. ۱۳۸۶. زبان منزلت و قدرت در ایران، مترجم رضا مقدم نیا، تهران: نی.
۳. افروز، غلام علی. ۱۳۹۲. روانشناسی کمرویی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ ق. المحاسن، مصحح: جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامیة.
۵. درچه ای، سید تقی. ۱۳۸۷. قصه های خواندنی، چهره ماندنی، انتشارات اطلاعات.
۶. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. لغت نامه، تهران: روزنه.
۷. شیخ صدوق. ۱۴۰۴ ق. من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۸. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. عمید، حسن. ۱۳۶۳. فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر.

۱۰. قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۱. قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة .
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ ق. /اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۱۲. مازندرانی، ملا صالح. ۱۳۸۸ ق . شرح الکافی، تعلیق ابوالحسن شعرانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۶۲. میزان الحکمه ، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ،
۱۴. مجلسی، محمدباقر. بی تا. بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث .
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۷۸. اخلاق در قرآن، انتشارات دارالفکر
۱۶. مفید، محمد بن محمد. ۱۳۸۷. تصحیح اعتقادات امامیه، قم: موسسه فرهنگ جعفری.
۱۷. نراقی احمد بن محمد مهدی. ۱۳۴۸. معراج السعاده ، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
۱۸. نراقی، ملا مهدی. بی تا. جامع السعادات، بیروت: الاعلمی للمطبوعات .
۱۹. نوروزی، محمد. ۱۳۸۱. آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، چاپ اول .